

میدان انقلاب

شماره ۶۴، دوشنبه ۸ مهر ۱۳۹۸



دنیای قشنگِ نو

ویژه نامه ورودی‌های ۹۸

غول مرحله‌ی آخر

الان که تازه وارد دانشگاه شده‌اید، از در و دیوار (و ایضاً این ویژه‌نامه) این موضوع به شما القا می‌شود که «فرصت‌های فعالیت در دانشگاه هم زیادند، هم مفیدند»؛ که کاملاً هم درست و به جاست. شمایی که فضای دبیرستان را با گوشت و خونت لمس کرده‌ای، قطعاً پس از ورود به دانشگاه، این تغییر را حس خواهید کرد.

اما در این میان، یک خطر بسیار بزرگ وجود دارد. خطری که می‌تواند زندگی دانشگاهی و فرادانشگاهی شما را تحت تاثیر قرار دهد. خطری که می‌تواند بهشت شریف را برای شما تبدیل به جهنم کند. پس بهتر است هر چه زودتر هم که شده، به فکر باشید و برای آن چاره کنید.

و آن خطر چیزی نیست جز اشتیاق خود شما. ورود از فضای بسته دبیرستانی به فضای باز و گسترده دانشگاهی و دیدن این همه فرصت و فعالیت، قطعاً شما را شگفت‌زده خواهد کرد. این شگفت‌زدگی هم دیر یا زود شما را به سمت فعالیت‌های دانشجویی خواهد کشید؛ اما مشکل زمانی پیش می‌آید که یهو به خودتان می‌آیید و می‌بینید که در دوسه تا تشکل و ده تا کانون و انجمن و شورا مسئولیت قبول کرده‌اید و به هیچ کدامشان هم نمی‌رسید. یعنی نمی‌توانید که برسید.

عامل اصلی این مسئولیت قبول کردن‌ها، همان شور و اشتیاق شماست. همه دوست دارند که فعالیت دانشجویی انجام بدهند. تشکل‌ها و کانون‌ها هم بالاخره به نیروی انسانی نیاز خواهند داشت. بنابراین بعید است که به حضور ورودی‌ها «نه» بگویند. به خاطر همین این وصلت زودتر از چیزی که فکرش را بکنید، صورت خواهد گرفت.

اگر می‌خواهید به این وضعیت دچار نشوید، باید کم‌کم یاد بگیرید که شور و اشتیاق خود را جهت‌دهی کنید. به این معنی که از اشتیاق‌تان به جای از «شاخه به شاخه پریدن»، برای عمیق شدن در کارها استفاده کنید. از روی اشتیاق برای انجام یک فعالیت مشخص دانشجویی، درس خواندن و خانواده‌تان، به دیگر کارها «نه» بگویید؛ و بدانید که یک کار به سرانجام رسیده، از صد تا کار دم‌بریده فایده‌اش بیشتر است.

دوران کارشناسی، از بهترین دوره‌ها و شاید بهترین دوره‌ی زندگی شما خواهد بود؛ اما به شرطی که راه خود را در این «هزارراهی فرصت‌ها» پیدا کنید و خودتان را در این فضا گم نکنید. برای تو ورودی عزیز آرزوی موفقیت دارم و امیدوارم که از این دوران ارزشمند، نهایت استفاده را ببرید.



دمی پیش از آه؛ نیم‌گفتاری برای وقت

برنامه‌ای برای ما تدارک دیده شده است - که در این مقال نمی‌گنجد!

اگر کلاس نباشد، بیشتر خودمان هستیم که به مهم‌ترین سرمایه‌ی زندگی صدمه می‌زنیم. تلف کردن وقت با دوستان، گذراندن وقت در گوشی و اینترنت و بازی رایانه‌ای، خواب بیش از اندازه، پرداختن به تخیلات روزانه و ... باز گلی به گوشه‌ی جمال کلاس‌ها! در کلاس‌هایمان حداقل ۴ تا کلمه می‌شنویم (اگر هندزفری در گوشمان نباشد!).

چه باید کرد؟ تاکنون که فقط زمین و زمان را به شیوه‌ی معمول خودمان به هم دوختیم تا ثابت کنیم نسل سوخته‌ایم و بدبختیم و بیچاره‌ایم و با این وضع هر جا برویم، به ما پناهندگی می‌دهند و ...! راه حل چیست؟

برای اینکه متکلم وحده نباشم، وجدان‌هایتان را با خود همراه می‌کنم و سؤالتان را با سؤال پاسخ می‌دهم: آیا اگر زمان‌هایی خالی بین کلاس‌ها داریم، نمی‌توانیم کتابی ورق بزنیم؟ فیلم مستندی ببینیم؟ فیلم غیر مستند و آموزنده‌ای تماشا کنیم؟ در این زمان‌ها، به جای بحث‌های هرز، نمی‌توانیم مسئله‌ای علمی را پیش کشیده و حول آن - ولو غیر جدی - آسمان و ریسمان علمی بفایم؟ به جای بازی بی‌پایان، نمی‌شود هنری یاد گرفت؟

این‌ها مرحله‌ی قبل از برنامه‌ریزی بود. اگر توانستیم کارهای بالا را انجام دهیم، می‌توانیم به گام برنامه‌ریزی هم وارد شویم؛ کارهایی که برای کنکور انجام داده‌ایم و در اینجا گفتنش، زیره به کرمان بردن است.

این را باید بدانیم که محصول فردا، به کسانی می‌رسد که امروز بذرشان را پاشیده باشند. به گذر آرام این روزها توجه نکنید؛ از مستی امروز که بیرون آییم، مثل پیران امروز می‌گریم که چرا سرمایه‌ی خود را تا بود نقد نکردیم. اشک پس از شکست، همان عرقی است که باید برای پیروزی ریخته می‌شد!

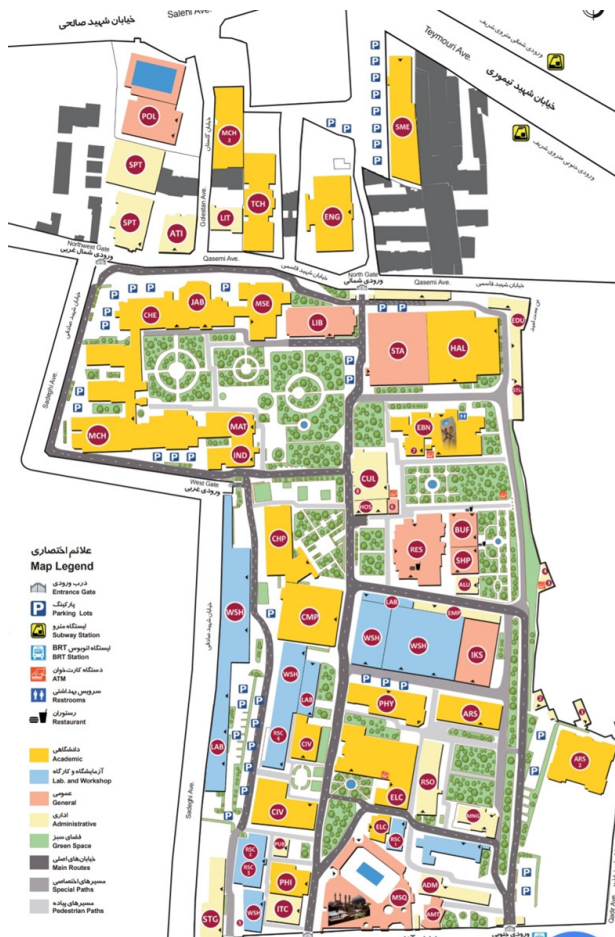
نوشته‌ی سید محمود طباطبایی
ورودی ۹۶ مهندسی مواد



همه‌ی ما که در این دانشگاه تحصیل می‌کنیم، قطعاً فیزیک خوانده‌ایم؛ در مسائلی که حل کرده‌ایم، می‌دیدیم که هیچ وقت t نمی‌تواند منفی باشد. محدودیت‌های این‌چنینی در علم زیاد نیستند. پس باید مراقب #ناهدرپذیرها باشیم! البته سخت است؛ به گذر زمان مانند مخدّری عادت کرده‌ایم. کمی درد دارد ترک عادت‌مان! ولی پای صحبت بزرگترها که می‌نشینیم، دائم از این نصیحت‌ها می‌شنویم و می‌گذریم و زمان هم می‌گذرد؛ ای وای از این عمر که با می‌گذرد می‌گذرد!

دانشگاه محلی شده که به این گذران بی‌راندان دامن بزند. در دانشگاه وقتی کلاس دارید، یک جور وقتتان هدر می‌رود و وقتی کلاس ندارید، جور دیگر. اگر کلاس باشد، گاهی باید مدّت زیادی در انتظار استاد گرامی بمانید و سماق بمکید و سپس در کلاس هم، معلوم نیست گفته‌های استاد عزیز استخوان‌خرد کرده در مسائل موشکافانه‌ی علمی، تا چه حدی در آینده‌ی شما مؤثر باشد. از حق نگذریم، این اساتید صدف‌هایی هستند که گوهر علم در وجودشان موج می‌زند؛ اما □ در برخی از این عزیزان □ به دلیل نداشتن دید کاربردی نسبت به دانسته‌هایشان، «علم نافع» منتقل نمی‌شود:

رسول خدا (صلّ الله علیه و آله) می‌فرماید: «اللّهمّ إتی أعودُ بک من علمٍ لا ینفع و قلبٍ لا یخشع و دعاءٍ لا یسمع و نفسٍ لا تشبع أعودُ بک اللّهمّ من شرِّ هؤلاء الأریع». «بارخدایا! به تو پناه می‌برم از دانشی که سود ندهد و دلی که سوز ندارد و دعائی که شنیده نشود و نفسی که سیری نپذیرد. بارخدایا از این چهار چیز به تو پناه می‌برم». برخی هم توان کافی انتقال مفاهیم را ندارند که وقت را در کلاس هدر می‌دهند و شما مجبور می‌شوید برای یادگیری کامل مباحث، دوباره همان‌ها را مطالعه کنید. شکوه از زمان بین کلاس‌ها هم - که نه اجازه‌ی خانه یا خوابگاه رفتن می‌دهد و نه



ناگفته‌های شریف

در زیربوم دانشگاه چه خبر است؟

نوشته‌ی معصومه بخشنده
ورودی ۹۶ شیمی

آنچه در آینده خواهید دید:

۱. اولین مکانی که مسلماً گذار همه شما در چهار سال آینده به آن خواهد افتاد، مغازه لوازم‌التحریر است. اطراف درب‌های دانشگاه یک مغازه لوازم‌التحریر در نزدیکی درب آزادی، ۲ عدد کنار خروجی درب تربیت بدنی، یک عدد درون مسجد دانشگاه و دیگری پس از گذر از پله های پیچ در پیچ ساختمان سلف از هم‌اکنون منتظر هجوم هم‌روزه شما عزیزان هستند.
۲. دفتر خدمات دانشجویی در انتهای ترین نقطه برخورد ورودی شمالی و جنوبی در جایی قرار دارد که به این زودی‌ها پیدایش نخواهد کرد.
۳. از بزرگترین افتخارات دختران شریف استراحتگاه بانوان عزیزان در زیر شریف پلاس پس از ۲ سال بسته بودن بازگشایی گشته است و مقدم شما عزیزان را گرامی می‌دارد.
۴. هر گاه در دانشگاه تنها شدید و دلتان برای ایام بچگی تنگ شد، به بزرگترین اسباب بازی دانشکده فیزیک هم سری بزنید؛ آونگ معروف دانشکده فیزیک به اسباب بازی جدیدتان تبدیل خواهد شد.
۵. دانشجویان رشته مواد می‌توانید ساخته‌هایتان را در جکوز امتحان کنید.
۶. مراقب باشید که در جلسات برگزار شده در جابر زود برسید؛ جابر به اندازه جباری جا ندارد.
۷. مراقب باشید در کتابخانه مرکزی جوری در مطالعه غرق نشوید که مجبور شوید شب را در آنجا سپری کنید.
۸. به زودی متوجه خواهید شد که کلاس‌های ساختمان ابن‌سینا با پله‌های زیاد و کوتاهشان حتی در صورت خالی بودن تمامی کلاس‌ها از الف ۲۲ شروع به پر شدن خواهند کرد و الف صفر تنها نقطه‌ای است که برای ورود به آن از پله نمی‌گذرید.
۹. به جای باغ وحش به مطالعه در پارک ژوراسیک و علت نام‌گذاری آن بپردازید.
۱۰. حواستان باشد وندینگ ماشین‌های دانشگاه هیچگونه خدمات پس از فروشی ندارند.
۱۱. می‌توانید با هدف ورزش کردن از پله‌های سلف بالا رفته و صبحانه‌های زرزو شده را دریافت کنید.
۱۲. اگر تمامی مسیرهای اطراف مسجد را بگردید بالاخره دفتر مشترک حوزه شریف و روزنامه شریف را در زیرزمینی خواهید یافت.
۱۳. کتابخانه مریم میرزاخانی و عبدوس در ایام شلوغی پذیرای دانشجویان رشته‌های دیگر

نمی‌باشد.

۲۵. سمساری جزء درس‌های کلاسی دانشکده‌ای نیست؛ مسئولین آموزش را دیوانه نکنید.
۲۶. تنها به لیبی ریاضی نگاه نکنید. داشتن لابی، دالان های طولانی طبقات بالا را تحت الشعاع قرار داده است.
۲۷. ارواح درون دانشکده مکانیک را بیدار نکنید.
۲۸. خوابگاه ما = خانه ما. در حفظ و نگهداری خانه خویش بکوشیم.
۲۹. اگر از درب آزادی بالا بیایید، بزرگ‌ترین دفتر کانون‌های دانشجویی یعنی فردای سبز در کورترین نقطه دانشگاه چشم انتظار شماست.
۳۰. برای ورود به دانشکده نفت ابتدا نقشه آن را مشاهده کنید تا گم نشوید.
۳۱. یخ‌های دانشکده شیمی کثیفند؛ آن‌ها را نخورید.
۳۲. به دانشکده رادیواکتیو عمران نزدیک نشوید.
۳۳. در تالارها بالش نیاورید.
۳۴. شیب ورودی سرسره نیست؛ کودک درونتان را آرام کنید.
۳۵. گراز هم خانواده گراز نمی‌باشد.
۳۶. مراقب استفاده از کلمات مخفف جوی اساتید قدیمی باشید.
۳۷. پس از تمام شدن کلاس منتظر زنگ نباشید.
۳۸. بهترین وای‌فای دانشگاه روبروی کتابخانه مرکزی است؛ مکان های دیگر را امتحان نکنید.
- در انتها هنگامی که تمامی این امور را مشاهده و تجربه کردید، تبریک می‌گویم؛ شما یک شریفی واقعی شده‌اید.

۱۴. لابی ریاضی می‌تواند استفاده‌های دیگری نیز به جز بازی‌کردن داشته باشد.
۱۵. در زمستان گرم‌ترین نقطه دانشگاه طبقه بالای شریف پلاس می‌باشد.
۱۶. شما را به نوشیدن بحال‌ترین نوشیدنی دانشگاه آبنی (آب + نی) دانشکده برق دعوت می‌کنیم.
۱۷. ساختمان‌های جدید هرگز افتتاح نخواهند شد؛ بیهوده سراغشان را نگیرید.
۱۸. سیاست دوستان گرامی: به کاخ سفید دانشگاه حمله کنید.
۱۹. به زودی شما هم به جمع خریداران نمایشگاه‌های فرهنگی، مناسبی و دانشجویی برگزار شده روبروی سلف خواهید پیوست؛ جایی که از پوشاک تا هدایای روز مادر و عید نوروزتان را تأمین خواهد کرد.
۲۰. دوستان برای عکس گرفتن با استاد عادل فردوسی پور صف ببندید.
۲۱. اگر از کیف هم‌کلاسی‌هایتان ساس پرید، جیغ نزنید.
۲۲. اگر گربه‌ای را در حال حمله به کلاغ‌ها دیدید، پرنده بدبخت را نجات دهید. گربه‌های شریف به اندازه کافی سیر هستند.
۲۳. هرگاه از دوستی با رقبای انسانی خسته شدید، به گربه‌ها پناه نبرید.
۲۴. برای رفت و آمد روزانه کارت دانشجوییتان را به پیشانی‌تان بچسبانید.



مصاحبه با دکتر سهراب‌پور، رئیس اسبق دانشگاه صنعتی شریف از پدرتان به ورودی‌های ۹۸

به همت علی محترم
ورودی ۹۷ مهندسی مکانیک



باید می‌رفتم دانشکده فنی؛ اما علی اکبر صالحی نگذاشت و به زور ما را آورد شریف! از سال ۶۸ تا الان که ۹۸ هستیم درست ۳۰ سال است که من در شریف فعالیت دارم و همین اول مرداد بعد از ۴۸ سال فعالیت بازنشست شدم. همه می‌گفتند چرا باز نشسته شدی؟ من هم در جواب می‌گفتم مطابق قانون! من خیلی برای قانون در زندگی خود اهمیت قائلم. حتی هنگامی که بازنشسته شدم اتاقم را هم سریع خالی کردم تا اساتیدی که جدید جذب می‌شوند استفاده کنند. از وقتی هم آمدم شریف من را ول نکردند. ۲ سال معاون عمرانی وزارت بهداشت و وزارت علوم به طور هم‌زمان، ۴ سال دیگر معاون عمرانی وزارت علوم و قائم مقام وزیر، و بعد از چند سال هم که رئیس دانشگاه شریف شدم. از سال ۷۶ تا ۸۹ هم رئیس دانشگاه بودم. یعنی حکومت ما در دانشگاه ۱۳ سال طول کشید. در آن زمان ۵ وزیر عوض شد. آخر هم به خاطر درد زانو و خستگی خداحافظی کردم. از بس فوتبال بازی می‌کردم زانو درد داشتم!

به نظر شما دلیل برتر بودن شریف فقط ورود رتبه‌های برتر آن است؟

یک چیز را به بچه‌های شریف بگویید. هر دفعه که این عزیزان می‌آیند صحبت می‌کنند می‌گویند ۱۰۰ نفر اول کنکور می‌آیند اینجا، المپیادها می‌آیند و... . دانشجویها می‌گویند این افتخارات را ما کسب کردیم؛ خب دانشگاه چه کرده است؟ من در جواب می‌گویم ما در جذب اساتید خیلی حساسیم و اساتید بسیار برجسته‌ای داریم. از لحاظ تعداد استاد تمام دانشگاه ما با دانشگاه‌های دیگر قابل مقایسه نیست. دانشگاه ما اساتید قوی را می‌گیرد. دانشگاه در انتخاب اساتید خیلی مته به خشخاش می‌گذارد.

استادیار پایه یک بودم. سال ۵۷ که انقلاب شد، در اسفند همان سال به عنوان معاون دانشگاه شیراز انتخاب شدم. آن زمان فقط ۳۴ سالم بود. الان پسرم معاون دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران است در حالی که ۴۴ سال دارد. به او می‌گویم رکورد هنوز دست من است! یادش بخیر؛ اوایل انقلاب خیلی سخت بود. گروه‌های مختلف بدون حساب فعالیت می‌کردند. داخل حیاط که می‌رفتی، یک طرف مجاهدین تفنگ آورده بودند و به بقیه یاد می‌دادند و طرف دیگر هم چریک‌های فدایی مشغول آموزش بودند. اوضاع خیلی بدی بود. به خاطر همین اتفاقات هم بود که انقلاب فرهنگی شد و دانشگاه‌ها برای مدتی تعطیل شد. بگذریم.

در شیراز ۲ سال معاون دانشجویی بودم. بعد از آن شدم معاون فنی و عمرانی دانشگاه. جنگ هم که شد، مسئول جنگ دانشگاه هم بودم. برای تدریس به دانشجویهایی که هم می‌خواستند بچنگند و هم درسشان را ادامه بدهند. من حتی در محاصره آبادان و شبه جزیره فاو و مناطق دیگر هم رفتم که خیلی خطرناک بودند. سال ۶۸ بعد از ۱۱ سال معاونتم در دانشگاه شیراز به شریف آمدم. دوستانم شوخی می‌کردند می‌گفتند: معاون دائمی دانشگاه شیراز! هی رؤسای مختلف می‌آمدند و می‌رفتند، من همچنان بودم. البته یک سال و نیم آخر، هم معاون دانشگاه بودم هم رئیس دانشکده مهندسی. آن زمان جوان بودیم، می‌دویدیم و هر باری روی شانه‌هایمان می‌گذاشتند قبول می‌کردیم. همه این پست‌ها هم افتخاری بودند، یعنی بابت این پست‌ها حقوق اضافه نمی‌گرفتیم. سال ۶۸ که دیگر پدر و مادران پیر شده بودند و مادر خانم هم مریض شده بود، به تهران برگشتیم. به تهران که برگشتیم قاعداً

شنیده بودیم روی زمان خیلی حساس است اما این حال چند دقیقه‌ای دیر رسیدیم. کمی منتظر ماندیم تا صحبتش با تلفن تمام شود. ابتدا که وارد شدیم، با لبخند از تأخیرمان گله کرد و بعد هم تعارف کرد تا بنشینیم. ۷۶ سال داشت اما سرحال، دائماً خندان و بانشاط. بسیار مهربان بود و با مرور خاطراتش هوایی می‌شد. کارنامه‌اش پر بود از پست و مقام‌های مختلف اما سعی کرده هیچ‌وقت استاد دانشگاهی را رها نکند. حالا که بازنشسته شده اما زمان استادی انقدر با بچه‌ها صمیمی می‌شد که برخی او را پدر صدا می‌کردند. حتی در عروسی شاگردهایش هم شرکت می‌کرد. حالا هم بیشتر حرف‌هایش با نوهی ورودی‌ست.

خودتان را معرفی می‌کنید؟ گویا پست و مقام‌های متعددی داشته‌اید.

اولاً سلام می‌کنم مخصوصاً به رفقای ورودی و ان‌شاءالله همگی سال خوبی را پیش رو داشته باشید.

متولد ۱۳۲۲، فارغ‌التحصیل از دانشگاه کالیفرنیا در شهر برکلی در رشته مهندسی مکانیک. در آمریکا از شاگردان چمران بودیم و زیاد ارتباط داشتیم. چمران از دانشگاه شیراز تعریف می‌کرد و به من می‌گفت برو دانشگاه شیراز. دانشگاه شیراز قبل از انقلاب بهترین دانشگاه ایران بود. تمام رشته‌های مستر در این دانشگاه وجود داشت و دانشگاهی کاملاً بین المللی بود. اما بعد از انقلاب این سیستم عوض شد. در آن زمان هم زبان تدریس و هم اساتید خارجی بودند. ۷ سال قبل از انقلاب در دانشگاه شیراز بودم. آن زمان



به نظر شما درسی هست که به درد ما نخورد و ما ناچار به خواندن آن هستیم؟ مثل فیزیک یا ریاضی ۱ و ۲؟

نه؛ به هیچ عنوان. این‌ها سال‌ها تجربه شده که روند باید این‌طور پیش برود. ما تا ریاضی یک و دو رو نتوانیم یاد بگیریم نمی‌توانیم مرحله‌های بعد برویم. این‌ها مثل الفبا می‌ماند که پایه و اساس علم شماست. این‌ها همه زنجیروار به هم مربوطند.

شما آینده‌ی این دانشجویایی که امسال وارد شریف می‌شوند را کجا می‌بینید؟ داخل کشور مشغول به کار می‌شوند یا آن طرف آب؟

اولاً که الآن یک شرایط خاصی وجود دارد و وضع اشتغال بد است. اما ان‌شاءالله اوضاع این‌طور نمی‌ماند. اگر فعالیت راه بیفتد، اشتغال هم درست می‌شود. یک زمانی که عسلیویه در اوج کار خودش بود، هر چه مهندس به آنجا می‌رفت را استخدام می‌کردند؛ تازه باز هم نیرو نیاز داشتند. چون آن زمان فعالیت بیشتر بود.

از طرف دیگر بعضی‌ها هستند که می‌خواهند در بهترین جاهای دنیا درس بخوانند. این هیچ ایرادی ندارد؛ اما اینکه آنجا برای زندگی بمانند، نه. کسانی آنجا می‌مانند که از زندگی فقط پول برایشان مهم است. شما اگر پدر و مادرت، خانواده‌ات و فرهنگ‌ات برایت مهم باشد نمی‌توانی آنجا بمانی.

اصلی‌ترین دلیل مهاجرت چیست؟

اول ادامه تحصیل و بعد اشتغال. یک زمانی بود که بحث فقط ادامه تحصیل بود؛ ولی الآن مسئله‌ای که خیلی برای همه مهم شده بحث اشتغال هست. البته این را هم بگویم که همیشه برای دانشجوی خوب همین‌جا هم شغل بسیار عالی و با درآمد بالا وجود دارد.

من در ۳ سال اخیر ۳۰هه تا از استاد دانشگاه‌های معتبر ایرانی خارج کشور را آوردم و در دانشگاه‌های ایران استخدام کردم. وظیفه من در بنیاد ملی نخبگان همین است.

به نظر شما شریف الآن با شریف زمان خودتان چه فرقی کرده؟

حقیقتش الآن که من خیلی با دانشگاه سر و کار ندارم و قبلاً هم فقط همان در حد کلاس داشتن با بچه‌ها بوده. سر کلاس به بچه‌ها می‌گویم که شما نسل جدید خیلی لوس و نرید! قدیم‌ها خیلی بهتر بود. شما روا مادرها و پدرهایتان در پنبه بزرگ کردند. گرم و سرد روزگار را نچشیدید. من بیشتر با پاورپوینت درس می‌دادم؛ البته فقط با پاورپوینت درس‌دادن خوب نیست؛ در آن صورت همه حواسشان می‌رود در موبایل و چیزهای دیگر. باید حواس بچه‌ها را جلب کرد. برای همین بعضی اوقات روی تخته می‌نوشتم، بعضی اوقات شوخی می‌کردم، بعضی اوقات تن صدایم را بالا و پایین می‌کردم تا برا بچه‌ها یکنواخت نباشد. این‌ها را ماشاءالله آقای قرائتی خوب بلد هست. خلاصه دانشجویها به ما می‌گفتند این پاورپوینت‌ها رو برای ما ایمیل کن، ما هم می‌گفتیم باشه. بعد ما که چهار خط هم پای تخته می‌نوشتیم باز هم می‌آمدند عکس می‌گرفتند. زورشان می‌آمد دوکلام بنویسند. شما نسل جدیدی‌ها دیگر کی هستید!

یا مثلاً دانشجویی سال دومی آمده بود پیش من می‌گفت برای اپلای باید چکار کنم؟ بهش گفتم جوجه آخه بذار چهار سانت تموم بشه!

توصیه شما به بچه‌های ورودی که امسال به دانشگاه می‌آیند چیست؟

یکی این که دانشگاه فقط درس نیست. جوری نباشید که فقط دانشگاه بیاید که سر کلاس بروید؛ نه. در همه زمینه‌ها فعال باشید؛ فرهنگی، ورزشی، علمی و...

یکی دیگر هم اینکه درس را طوری بخوانید که خوب یاد بگیرید. واقعاً کسی که از دانشگاه شریف فارغ‌التحصیل می‌شود باید اصول مهندسی رو خوب بلد باشد.

من روی ورزش هم خیلی تاکید دارم. به جوان‌ها بگویید که ورزش کنند. در دانشگاه امکانات ورزشی زیادی فراهم هست؛ استفاده کنید.

از دکتر مجتهدی تعریف کنید.

من ارادت زیادی به دکتر مجتهدی دارم. مجسمه دکتر مجتهدی در کتابخانه مرکزی هم کار من است. من ۶ سال در دبیرستان البرز همراه آقای مجتهدی بودم. بعد که وارد دانشگاه فنی شدم، مجتهدی استاد ریاضی‌مان بود. بعد هم که آمدم رئیس شریف شدم که بنیان‌گذارش دکتر مجتهدی بود. برای همین من ارادت خاصی به ایشان دارم. وقتی دیدم ساختمانی که از قدیم به نام دکتر مجتهدی بود، اسمش را عوض کردند و گذاشتند ابن‌سینا به این فکر افتادم که یک ساختمان دیگر را به نام ایشان به عنوان قدردانی از زحماتشان و اینکه دانشجویها ایشان را بشناسند نام گذاری کنم. دیدم که ساختمان کتابخانه مرکزی اسم ندارد! نام آن ساختمان را گذاشتم:

«ساختمان دکتر محمدعلی مجتهدی». برای همین مجسمه‌ای هم از ایشان سفارش دادم و در لابی ساختمان گذاشتم و زیر آن هم به پلاک برنزی قرار دارد که توضیح داده است که مجتهدی که

از طرف دیگر بعضی‌ها هستند که می‌خواهند در بهترین جاهای دنیا درس بخوانند. این هیچ ایرادی ندارد؛ اما اینکه آنجا برای زندگی

بمانند، نه. کسانی آنجا می‌مانند که از زندگی فقط پول برایشان مهم است. شما اگر پدر و مادرت، خانواده‌ات و فرهنگ‌ات برایت مهم باشد نمی‌توانی آنجا بمانی.

بود تا بچه‌ها بخوانند و بفهمند که من انقدر مجتهدی مجتهدی می‌کنم، که بوده و چه خدمت‌هایی کرده. خدا رحمتش کند.

از فعالیت‌هایتان در شریف در زمان ریاستتان بفرمایید.

من که رئیس دانشگاه بودم می‌رفتم خوابگاه طرشت، در نمازخانه می‌نشستم و همه بچه‌ها جمع می‌شدند. هم مشکلاتشان را می‌گفتند و من مستقیماً رسیدگی می‌کردم. هم من به سری اطلاعات به آن‌ها می‌دادم که از آن مطلع نبودند و مطلع می‌شدند. و این کار خیلی مفید بود. منتها من خیلی وقت می‌گذاشتم؛ محال است هیچ رئیس دانشگاه دیگری پیدا شود که این‌قدر وقت بگذارد.

با توجه به اینکه ما در رتبه‌بندی‌ها افت کردیم، به نظر شما چرا هنوز انتخاب اول کنکوری‌ها دانشگاه شریف است؟

اولاً چه کسی گفته ما افت کردیم؟ من خیلی از این سنجش‌های بین‌المللی را قبول ندارم. مثلاً در خیلی از این رتبه‌بندی‌ها دانشگاه‌هایی مثل دانشگاه کاشان و یاسوج و ... از ما بالاتر قرار گرفته‌اند. این چه معیار و سنجشی‌ست؟ هر رتبه‌بندی‌ای معتبر نیست. رتبه‌بندی‌هایی مثل QS و شانگهای معتبرند که در آن‌ها افت نکردیم.



راه مهندسی چیست؟ بسیج در دانشکده چه کار می‌کند؟ دانشگاه «فقط» علم‌پرور

نویسنده‌ی محمدعرفان طلوعی

ورودی ۹۶ مهندسی عمران



۶۵۰ الی ۷۰۰ نفر متقاضی ثبت نام دارد. زمان ثبت نام دوره جدید این طرح نیز از ۶ تا ۹ مهرماه است. برنامه دیگر، برگزاری مسابقه‌هایی طی سال در دانشکده‌هاست. در این مسابقات دانشجویان مهارت تیمی کار کردن را یاد می‌گیرند و با یک مشکل و مسأله جدی و مهم در رشته خود دست و پنجه نرم می‌کنند. برای مثال در سال‌های گذشته مسابقه الکاپ در دانشکده مهندسی برق، مسابقه داده‌کاوی IEC در دانشکده مهندسی صنایع و مسابقه بازیافت در دانشکده مهندسی مواد و متالورژی برگزار شد. در دانشکده‌های دیگر نیز برنامه‌هایی در قالب‌های مختلفی برای آشنایی با این مسائل برگزار می‌شود؛ مانند سلسله جلسات داستان آب و و نشست تنفس خوراک در دانشکده‌های مهندسی عمران و مهندسی شیمی و یا جلسات مطالبه‌گری از مسئولین حوزه صنعت مانند مدیرعامل ایران‌خودرو در دانشکده مهندسی مکانیک.

پس از دو یا سه سال شرکت در برنامه‌های طرح راه مهندسی و بازدیدها و نشست‌ها و محافل صمیمی با اساتید و مسابقات مختلف، دیگر وقت آن است که دانشجو مهارت خود را در عمل محک بزند و از نزدیک فضای تخصصی و واقعی مورد علاقه خود را تجربه کند. دانشجویان در چارت درسی خود با یک درس صفر واحدی به نام «کارآموزی» روبرو هستند که الزاماً باید آن را بگذرانند. خیلی از دانشجویان به این دوره کارآموزی به چشم فضای مناسب برای کسب مهارت و پیدا کردن حوزه مورد علاقه خود نگاه نمی‌کنند و جاهایی به کارآموزی

«طرح راه مهندسی» که سابقه برگزاری ۷ ساله را در دانشکده‌های مختلف دارد، با هدف آشنایی دانشجویان به ویژه دانشجویان ورودی با سبک زندگی دانشجویی، معرفی افراد و اساتید موفق، استفاده از تجارب آن‌ها و ارتباط دادن فضای علمی دانشگاه با فضای بیرونی جامعه و صنعت، برنامه‌های گوناگونی را اجرا می‌کند. نمونه‌ی آن‌ها بازدید از مراکز علمی-صنعتی مرتبط با هر رشته، همایش‌های دانشکده‌ای با حضور اساتید،

دیدن الگوهای موفق باعث می‌شود دانشجویان به این باور برسند که می‌توانند موفق شوند و مسیر موفقیت را هم برای خود ترسیم کنند. طرح راه مهندسی از بین حدود ۱۰۰۰ نفر دانشجوی ورودی، سالانه حدود ۶۵۰ الی ۷۰۰ نفر متقاضی ثبت نام دارد. زمان ثبت نام دوره جدید این طرح نیز از ۶ تا ۹ مهرماه است.



کلاس‌های رفع اشکال درسی و اردوهای تفریحی است. در این طرح سعی می‌شود فضای واقعی کشور برای پیشرفت دانشجویان شفاف‌تر شود که دانشجویان با شناخت خود و فضاهای موجود، بهترین انتخاب را رقم بزنند. دیدن الگوهای موفق باعث می‌شود دانشجویان به این باور برسند که می‌توانند موفق شوند و مسیر موفقیت را هم برای خود ترسیم کنند. طرح راه مهندسی از بین حدود ۱۰۰۰ نفر دانشجوی ورودی، سالانه حدود

دانشگاه صنعتی شریف همواره یکی از برترین دانشگاه‌های کشور از نظر پیشتازی در علم و تعداد مقالات بوده‌است. این برتری علمی دانشگاه ما را نسبت به بقیه دانشگاه‌ها شاخص کرده است و همین موضوع باعث شده تا دانشگاه ابداً نخواهد این موضع مناسب را از دست دهد. همین تمرکز روی فضای علمی باعث شده هر ساله درصد قابل توجهی از رتبه‌های برتر و المپیادی‌ها به شریف بیایند که برد بزرگی برای شریف محسوب می‌شود. اما مشکل آنجاست که تمرکز دانشگاه در سال‌های گذشته تقریباً فقط روی همین موضوع جمع شده‌است؛ این باعث می‌شود دانشجویان در زمینه علمی از نظر تئوری خوب رشد کنند ولی خیلی از فرصت‌های دیگر مثل ارتباط‌گیری با اساتید، آشنایی با فضای کار واقعی، پیدا کردن دید کلی راجع به رشته تحصیلی و گرایش‌های آن، انتخاب حوزه تخصصی خود و پیدا کردن مهارت فنی در آن را از دست بدهند. چنین خروجی‌ای که توانایی تأثیرگذاری‌اش در جامعه اطرافش بسیار پایین است، ابداً مطلوب دانشگاه نیست یا حداقل نباید باشد!

همین معضل باعث شد به دنبال راه‌حلی بگردیم. این راه‌حل‌های طراحی شده قالب‌های مختلفی دارند که به اختصار به شرح آن‌ها می‌پردازم که دانشجویان نو ورود نیز با این فضاها آشنا شوند و بتوانند بهترین استفاده را از آن‌ها بکنند.



می‌روند که هیچ ارزش افزوده‌ای برایشان ندارد و فقط می‌خواهند راحت و بی‌دردسر آن را پاس کنند و آخر سر هم یک امضا و مهر دروغین پای برگه‌شان بخورد.

طرح «کاروژه» درصد این است که این کارآموزی، هدفمند برگزار شده و باعث رشد دانشجویان در فضای تخصصی و به آزمایش گذاشتن توانایی و علاقه خود شود. در این طرح دانشجویان با مصاحبه با افراد با تجربه در زمینه‌های مختلف، با شرکت‌های متناسب با تیپ شخصیتی و فعال در زمینه مورد علاقه خود آشنا شده و با توجه به نظر آن‌ها، به شرکت انتخاب شده معرفی می‌شوند. دانشجویان کارآموز نیز با سپری کردن دوره آموزش و کارآموزی خود به تجارب مفید و باارزشی دست پیدا می‌کنند که می‌توانند آن‌ها را به طور جدی وارد عرصه صنعت کنند. سال گذشته با بیش از ۱۲۰ نفر متقاضی کارآموزی در طرح کاروژه مصاحبه شد.

نشریه‌های رویان نیز در برخی دانشکده‌ها منتشر می‌شوند که محتوای آن‌ها بیشتر مربوط به فضای تخصصی رشته و مسائل درون دانشکده است. این نشریه‌ها می‌توانند در انتقال مطالب مفید و دغدغه‌های موجود در فضای کشور به دانشجویان با استعداد شریف، نقش مهمی را ایفا کنند و از طرفی فضای مطالعه بین دانشجویان را نیز افزایش دهند. دغدغه‌مند سازی دانشجویان نسبت به محیط اطراف خودشان، چه دانشکده، چه دانشگاه و چه کشور عزیزمان، برای شروع تغییر وضع موجود و رشد و توسعه بسیار لازم است که این نشریه‌ها در تلاشند که این ممکن را فراهم کنند.

از طرفی وجود برخی خلأهای فرهنگی باعث شده فعالیت‌هایی در این زمینه نیز صورت گیرد. در ایام خاص سال مثل اعیاد مختلف دانشجویی هر دانشکده دست به برگزاری جشن‌هایی برای

می‌جویند.

یکی از بهترین الگوهای جهاد علمی برای دانشجویان، شهدای علمی و شهدای هر دانشکده‌اند. برای آشنایی با این الگوها برنامه‌های مختلفی اجرا می‌شود. دیدار با خانواده‌هایشان و برگزاری اردوی راهیان‌نور و بزرگداشت شهدا در طول سال و شنیدن خاطرات اساتید درباره دفاع مقدس یا پروژه‌های علمی کمک‌کننده در جبهه‌های جنگ، از این برنامه‌ها محسوب می‌شوند. ثبت نام و تبلیغات اردوی راهیان‌نور نیز در دانشکده‌ها انجام می‌شود. از فضا سازی درون دانشکده و دانشگاه گرفته، تا معرفی کتاب‌های شهدا و فروش و به امانت دادن آن‌ها و ثبت نام برای اردو. اردویی که در آن دانشجویان با فضای جبهه‌ها و زندگی شهدا از نزدیک آشنا می‌شوند تا بتوانند اُس بیشتری با شهدا بگیرند و سعی کنند کمی از حقی که این شهدا بر گردنمان دارند را ادا کنند.

مناسبت‌های مذهبی و ملی در دانشکده خود می‌زنند. در این جشن‌ها سعی می‌شود به بهانه مبارکی، دانشجویان سال‌های مختلف و اساتید دور هم جمع دوستانه‌ای تشکیل دهند و ارتباط بین دانشجویان و اساتید عمیق‌تر، واقعی‌تر و صمیمانه‌تر شود و در عین حال احترام طرفین بیش از پیش حفظ شود. هماهنگی و اجرای این جشن‌ها کاملاً به عهده دانشجویان بوده و عمده بودجه آن‌ها از اساتید دانشکده و خود دانشجویان تأمین می‌شود. در برخی دانشکده‌ها این ارتباط بین استاد و دانشجو به قدری رشد کرده که بعضی اساتید دانشجویان را برای برگزاری محفلی دوستانه به منزل خود دعوت می‌کنند. در این محافل تعدادی از فارغ‌التحصیل‌های دانشکده نیز حضور می‌یابند و فضای صمیمانه‌ای بین افراد حاضر حاکم است و بسیاری از مباحث مهم دانشکده و رشته و صنعت و یا کشور در این جلسات مطرح می‌شود و افراد حاضر به اهل‌بیت عصمت(علیهم السلام) توسل





زیرگذر انقلاب

تو بخش «زیرگذر انقلاب» می‌خواهیم از همه چی براتون بگیم. متن طنز، توپیت، گاهی به فرض مجال آگه سوتی هم دادیم اول خودمون می‌گیم. خلاصه که از ما حمایت کنید. خدا رو چه دیدید؛ آگه قدرتمون زیاد شد از این میدان انقلاب هم جدا می‌شیم و مستقل فعالیت می‌کنیم.

نوشته‌ی امیرمحمد ایل بیگی

ورودی ۹۶ مهندسی شیمی



بسم ا... الرحمن الرحیم

در این بخش می‌خواهم بسیج را برایتان معرفی کنم. باید خدمتتان عرض کنم که بسیج لشکر مخلص خداست ولاغیر. البته افرادی لطف دارند و می‌گویند بسیج شخصیت‌های دیگری نیز دارد که من این اشخاص را برای شما می‌گشایم.

۱- تمامیت‌خواهی: از آنجایی که بسیج یقین دارد تفکرش درست است! برای همین، همه‌ی فعالیت‌ها باید تحت کنترل خودش باشد که مبدا افرادی بخواهند و بتوانند دیگران را از راه راست و درست خارج کنند.

۲- تکفیری: احتمالا می‌دونید به افرادی تکفیری می‌گویند که بقیه رو تکفیر می‌کنند و قبلا هم گفتم از اونجایی که بسیجی‌ها یقین دارند تفکرشان عین حقیقت است پس هر کس که نظرش خلاف نظر آن‌ها باشد ملحد و از راه بدر شده است.

۳- فعالین غیردانشجویی (مزدور): ما ۱۰۰٪ دانشجوییم، زود بریم موضوع بعدی.
۴- دارای پشتوانه مالی از بیرون دانشگاه: راستیتش تو دفتر بسیج یه شیر نفت هست که مستقیم وصله به میدان نفتی رگ سفید. هر موقع پول لازم داریم یه بطری خالی برمی‌داریم توش نفت پر می‌کنیم می‌بریم می‌فروشیم بعد با پولش یه رقابت نابرابر با بقیه تشکیل‌ها و گروه‌ها ایجاد می‌کنیم.

۵- بی‌فکر: بسیج یه واحد داره به اسم واحد اندیشه که اعضا می‌شینن دور هم فکر نمی‌کنن. چی کار می‌کنن رو الله اعلم!

۶- بله قربان گو و پاچه‌خوار: به هر حال یسری کارها برای ادامه حیات لازمه!

۷- موازی کاری: والا ما تا حالا موازی گروه یا تشکیلی فعالیت نکردیم. یراست میریم می‌زنیم دم و دستگاهشونو می‌ترکونیم که فقط خودمون اون کارو انجام بدیم چون انحصار طلب و تمامیت خواهیم.

و غیره. ماشالله شخصیت‌های بسیاری داره این بسیج که من اجمالا به چنتاش پرداختم، بقیه‌شو در طول دوران دانشجوییتون با تمام وجود درک می‌کنید. ان‌شالله که کاملا با بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف آشنا شده باشید.

و من الله توفیق و علیه التکلان

فرصت‌های رشته‌ت را پیدا کن

این طرح به منظور کمک به دانشجویان ورودی برای شناخت رشته‌های خود کل گرفت. در جلسات این طرح مدعوهای مثل اساتید و افراد حاضر در بازار کار را شامل می‌شود و هر سال بیش از ۶۵۰ مخاطب دارد.

rahemohandesi



اینم سوتی اول امسالمون. هر کی معنی جمله رو فهمید و به ما گفت جایزه‌ش محفوظه. خلاصه که دیکه طرح راه مهندسی رو ثبت نام کنید.



pouyasoleymani
@1997Anyone

داستان خصوصی سازی خیلی عجیب نیست. وقتی تئورسین های اصلی معتقد هستند جراحی خونریزی دارد. بله! خونهایی که از سر کارگران سر شکسته ریخته می شود. واقعا فکر می‌کنید منشا این مشکلات مشخص نیست؟ همه باهمند اینجا معنی پیدا می‌کند.

#شرمندگی #هپکو



عباس عبدالهی
@abbasabdollahie

گاهی انسانی #کودکی نکرده، وقتی 20 ساله میشه، کودکی بیش نیست؛ گاهی هم در جوانی، #جوانی نکرده، وقتی 40 ساله میشه، شروع میکنه جوانی کردن؛ فاجعه آنجاست که سن آدم به پنجاه برسه و باریش سفید، لجهازی کودکانه داشته باشه. خدایا مرا لحظه ای به خودم وامگذار (دعای پیامبر)

#طبیعت_رشد
#شریف



مدیرکل
@anti_SUT_basij

فکر کنم مدیر سایپا اومده شده مدیر شریف پلاس... هر چی اضافه بخوای باید براش فیش بگیری :- دیکه سس که آپشن اضافه نیست!!



torabe_eshtiyagh
@T_eshtiyagh

چقدر لذت بخشه به اپنا که #اربعین_اولی هستن سفر اربعین رو توضیح دادن.

خودم لذت میبرم خاطرات سفر!

#ذکر_العیش_نصف_العیش

توضیح طرح جلد:

توی ورودی هنگام ورود به دانشگاه، احتمالاً یک دنیای زیبای فانتزی را روبروی خود می‌بینی. دنیایی که شاید آن‌قدرها هم به واقعیت نزدیک نباشد. در این شماره سعی کردیم تو را با حقیقت شریف بیشتر آشنا کنیم.